

بررسی اصالت متن «گشایش و رهایش»^۱

شکوفه میبدی*

چکیده

در نوشته حاضر، کتاب گشایش و رهایش منسوب به ناصر خسرو و از نظر اصالت متن بررسی شده است. در چاپ‌های مختلف این کتاب تصریح شده که کاتبی ناشناس در متن آن دست برده، برخی از مطالب را حذف کرده و برخی را هم رد کرده است. اما در واقع، در متنی که با عنوان کتاب گشایش و رهایش انتشار یافته، بیش از یک صدا و یک عقیده واحد دیده می‌شود. در این بررسی، نگارنده بخش‌هایی از متن مذکور را، که ظاهراً به اصل کتاب گشایش و رهایش تعلق ندارد، ارائه می‌کند و با آوردن شواهدی از متن بر آن است تا نشان دهد کاتبی که با نام گشایش و رهایش انتشار یافته، در واقع نقد و ردی بر گشایش و رهایش است. در نتیجه، فردی که در چاپ‌های مختلف این کتاب کاتب غیراسماعیلی و سانسورچی متن اسماعیلی کتاب خوانده شده، در واقع نویسنده کتاب مستقلی است که می‌توان آن را نقد یار رد بر گشایش و رهایش نامید.

کلیدواژه‌ها: گشایش و رهایش، ناصر خسرو، رد بر گشایش و رهایش، تصرف کاتب، متون اسماعیلیه

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۶

۱. از استاد ارجمند، دکتر محمود امیدسالار، بسیار سپاس‌گزارم که شش سال پیش از سر لطف تحریر اول این پژوهش را ملاحظه فرمودند و نکات ارزنده‌ای را تذکر دادند. همچنین از اساتید گرامی، دکتر شهرام آزادیان و دکتر مهدی علیایی مقدم، متشکرم که در مراحل مختلف تحقیق از نظرات ایشان بهره‌های فراوان برده‌ام. سپاس ویژه دارم از آقای مسعود راستی‌پور، که ویرایش و بازنویسی این مقاله را منت‌دار راهنمایی ایشان هستم. بدیهی است که نادرستی‌ها و نواقص این نوشته متوجه شخص نگارنده است.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی / sh.maybodi@gmail.com

۱. مقدمه

گشایش و رهایش رساله‌ای است کوتاه در بردارنده سی سؤال و جواب پیرامون معرفت آفرینش و آفریدگار و آفریده، مسائل فلسفی و مسائل کلامی. گرچه اکنون توافقی نسبی بر سر انتساب آن به ناصر خسرو وجود دارد، اول بار که نسخه‌ای از آن پیدا شد، چنین تصویری وجود نداشت، بلکه صرفاً گمان می‌رفت که این کتاب از نویسنده‌ای مؤمن به مذهب اسماعیلی است و برخی نیز ابویعقوب سجستانی، نویسنده کشف المحجوب، را نویسنده آن می‌پنداشتند.

قدیم‌ترین نشانی که از این رساله سراغ داریم، نسخه‌ای است با نام «مجموعه»، ظاهراً مکتوب به قرن هشتم^۱، که به ترتیب در بردارنده رساله‌های اسماعیلی مشرب کشف المحجوب، گشایش و رهایش و معرفت آفرینش انسان بود. این مجموعه، که اکنون خبری از آن در دست نیست و دسترسی به آن غیرممکن به نظر می‌رسد، به سید نصرالله تقوی تعلق داشته است. لیکن، خوشبختانه از طریق چند رونوشت از محتوای آن اطلاع داریم. قدیم‌ترین رونوشتی که از آن تهیه شده متعلق بوده به مجتبی مینوی که «مجموعه» را با کمک خاله‌زاده‌اش در سال ۱۳۰۷ ش استنساخ کرده است. در آن زمان صحبتی از انتساب گشایش و رهایش به ناصر خسرو نبوده، کما اینکه در رونوشت‌هایی که شیخ ابراهیم زنجانی^۲ و بدیع الزمان فروزانفر در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ از آن مجموعه تهیه کرده‌اند هم

۱. در پشت ورق اول آن نوشته شده: «صار بحق الشری عن الامیر شیخ محمد بن حاجی دیلم لمحمود بن حسین بن الحاجی حیدر النعطی الاملی اصلح الله شانہ و احسن الله احواله و غفر ذنوبه فی شهر ربیع الثانی لسنة اربع و ثمانمائه الهجرية النبویة» و سعید نفیسی بر همین اساس و نوع رسم الخط و کاغذ نتیجه گرفته که تاریخ کتابت آن پیش از ۸۰۴ هجری است (ناصر خسرو، ۱۳۲۸: ۵-۶).

۲. نسخه دست‌نویس ابراهیم زنجانی از «گشایش و رهایش» که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد اما نسخه‌ای با خط مشابه از کشف المحجوب در دارالکتب قاهره وجود دارد که در صفحه ۹۲ آن، کاتب نام خود (ابراهیم زنجانی) و تاریخ کتابت (۱۳۱۰) را آورده است. با توجه به این‌که در همین نسخه کشف المحجوب، ابراهیم زنجانی متذکر شده که از روی نسخه نصرالله تقوی رونویسی کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً در همان سال گشایش و رهایش را نیز از نسخه تقوی استنساخ کرده است. دسترسی به ←

اسمی از ناصر خسرو به عنوان نویسنده آن به میان نیامده است. در مقدمه‌ای که سید حسن تقی‌زاده در سال ۱۳۰۵ بر دیوان ناصر خسرو نوشته است، نام گشایش و رهایش در میان آثار ناصر خسرو ذکر نشده (نک. تقی‌زاده، ۱۳۰۴-۱۳۰۷: س - سج) و حتی اسماعیلی پژوهی چون و. آی. ایوانف نیز در کتابی که در سال ۱۹۳۳ م/۱۳۱۱-۱۳۱۲ در باره ادبیات اسماعیلی منتشر کرده از وجود این کتاب بی اطلاع بوده است. ظاهراً اول باری که نام ناصر خسرو به عنوان نویسنده این رساله به میان آمده، به سال ۱۹۴۰ م/۱۳۱۸-۱۳۱۹ ش بازمی‌گردد که یحیی الخشاب خوان الاخوان را به چاپ رساند. از آن پس، این کتاب را غالباً با اطمینان و گاه محتاطانه از آن ناصر خسرو دانسته‌اند.

این کتاب اولین بار با تصحیح سعید نفیسی به سال ۱۳۲۸ در بمبئی و توسط انجمن اسماعیلیه به چاپ رسید. نفیسی در سال ۱۳۴۰، کتاب را با اندک تغییراتی مجدداً به چاپ رساند. سپس در ۱۹۹۸ م/ [۱۳۷۶-۱۳۷۷ ش]، فقیر محمد هونزایی، پژوهشگر اسماعیلی مشرب، کتاب را ویرایش و همراه ترجمه انگلیسی آن در لندن منتشر کرد؛ سرانجام، در ۱۳۸۰، همان چاپ دوم نفیسی با رسم الخط امروزی و تغییرات و اضافاتی اندک در تهران، به اهتمام انتشارات اساطیر به چاپ رسید.

در تمامی چاپ‌های موجود این کتاب، تناقضات آشکار، چندصدایی و ناهماهنگی‌های قابل توجهی وجود دارد، واقعیتی که از چشم دیگر پژوهشگران نیز دور نمانده است. آنان این ناهماهنگی‌ها را حاصل تصرف کاتب یا مترجم در متن اصلی دانسته‌اند. در واقع، آن‌ها همگی می‌پنداشتند که فردی با مشربی غیر اسماعیلی در مواردی با هدف سانسور یا حذف محتوای اسماعیلی در این متن دست برده است. در این نوشته، تلاش می‌شود که این چندصدایی‌ها و ناهماهنگی‌ها از زاویه‌ای دیگر بررسی، و معلوم شود که آیا ممکن است علت این تناقضات چیزی جز تصرف کاتب سنی مذهب در متن باشد؟

→

اطلاعات مربوط به نسخه عکسی کشف‌المحجوب در دار الکتب قاهره (به شماره ۱۷۹۲ = شماره ۸۱ تصوف فارسی) را مرهون لطف محقق محترم، دکتر هرمان لندلت، هستم.

۲. پیشینه بحث

ظاهراً مجتبی مینوی نخستین کسی است که به این تصرفات اشاره کرده است. از یادداشت‌های او بر هامش نسخه می‌توان استنباط کرد که از نظر وی گشایش و رهایش ترجمه کتابی عربی به نام الفتح و النجاة (مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۸۳) بوده که مترجم آن، ضمن ترجمه، به بیان عقاید خود و حذف برخی از قسمت‌های کتاب اصلی پرداخته است. او بخش‌هایی را که تصرف مترجم می‌پنداشته در نسخه علامت زده است. شیخ ابراهیم زنجانی نیز که در سال ۱۳۱۰ از نسخه تقوی رونوشتی تهیه کرده، در حاشیه متذکر شده که:

باید دانست آنچه در متن نوشته بعین مطابق نسخه اصل است که قطعاً غلط دارد و بعضی جاها معنی ندارد و چون خواسته‌ام مطابق همان اصل و موافق لهجه و اصطلاح آن زمان نوشته شود همان‌طور استتساخ کرده‌ام... با همه این، بعضی جاها که کلام معنی نمی‌دهد بفکر و اجتهاد خود آنچه صحیح دانسته‌ام در هامش نوشته‌ام که بکلی نامفهوم نماند. باید ملتفت شد... (زنجانی، گشایش و رهایش، مجلس: ۲۶).

فروزانفر نیز احتمالاً در سال ۱۳۱۱ که رونوشتی از همان نسخه مجموعه استتساخ کرده، در یادداشت‌هایش نوشته:

در ضمن کتاب یکی از کتاب متعصب بعضی اجوبه را به خیال خود رد و در کتاب عبا[راتی] افزوده (فروزانفر، مجموعه، کتابخانه مرکزی: تصویر ۴۹).^۲

پیش از نخستین چاپ گشایش و رهایش، ایوانف در یادداشت‌های پایانی کتابش، ناصر خسرو و اسماعیلیه، به نسخه عکسی رونوشت جدیدی از نسخه تقوی اشاره کرد که متن آن ناقص بود و ایوانف به اشتباه تصور می‌کرد که استتساخ‌کننده نسخه تقوی، در آن دست برده و متن را مغشوش کرده است.^۳ (Ivanow, 1948-a: 71-72)؛ در حالی که

۱. [] الحاقی نگارنده است.

۲. با توجه به این که شماره صفحه ندارد به ارائه شماره تصویر فایل بسنده می‌شود.

۳. به احتمال زیاد ایوانف نسخه عکسی رونوشت ابراهیم زنجانی را دیده بود. در جای دیگر، به تفصیل به شواهد این گزاره خواهیم پرداخت.

برخلاف تصور او، این دستبردها و آشفته‌گی‌ها در نسخه تقوی هم بود. دو سال بعد که ایوانف مقدمه‌ای انگلیسی بر چاپ اول گشایش و رهایش نوشت ظاهراً از نادرستی گمان اولیه‌اش آگاه شده بود و در آنجا، تک نسخه مورد استفاده نفیسی را تاحدی مخدوش دانست و تحریف‌کننده‌ای ناشناس را عامل آن معرفی کرد:

تحریف‌کننده ناشناس [نقش] خویش را بیش از کاتب دانسته و خود را «مؤلف نویسنده» معرفی می‌کند که تنها آنچه را درست می‌پندارد، نوشته^۱ و یقیناً آنچه را هم که نادرست پنداشته، حذف کرده است (همو، ۱۳۲۸: XII).^۲

بعدتر ایوانف استنباط کرد که متن حاضر صورت کوتاه‌شده متن اصلی است و لابد قسمت حذف‌شده دقیقاً بخش اسماعیلی متن بوده است. وی شماره صفحاتی را که دستبرد در آن‌ها به آسانی قابل تشخیص است نیز ذکر کرده است:

صفحه ۹ خط شانزده تا صفحه ۱۳ خط هفت، صفحه ۱۴ خط هفت تا شانزده، صفحه ۸۲ خط چهار تا صفحه ۸۴ خط یازده، صفحه ۱۲۱ خط سیزده تا پانزده، صفحه ۱۲۳ خط سه تا پنج و همین‌طور خط هفتم، صفحه ۱۰۸ (همان‌جا).

کمتر از یک دهه بعد، ایوانف در ویرایشی تازه از کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیه، که با نام مشکلات زندگی نامه ناصر خسرو به چاپ رساند، با تکیه بر نسخه به‌جامانده از گشایش و رهایش و تکرار و تفصیل سخنانش در مقدمه چاپ اول، فرضیه‌ای کلی در باب آثار ناصر خسرو مطرح کرد:

او [کاتب] در توضیح شیوه خود گفته «که کتاب به خط منست نباید که کسی را ظن بد افتد» [نک. ناصر خسرو، ۱۳۲۸: ۱۲۳]؛ به عبارتی، کاتب از آن می‌هراسد که به دلیل رونویسی کردن و به اشتراک نهادن نظرات و عقایدی که نادرست و بدعت‌گونه باشد، بدو مظنون گردند. از این نمونه‌ها در متن زیاد است و برخی از آنها عباراتی طعنه‌آمیزند.... بسیار محتمل است که دیگر آثار ناصر خسرو نیز به دست کاتبانی افتاده باشد که وظیفه خود را محدود به استنساخ ندانسته و در مقام یک سانسورچی و ویراستار عمل کرده‌اند (Ivanow, 1956: 4).

۱. مقصود ایوانف این جمله است: «... سؤالات آنچه تحقیقی دارد بنویسیم...» (ناصر خسرو، ۱۳۲۸: ۱۳).

۲. شماره صفحاتی که بر اساس چاپ اول کتاب در انجمن اسماعیلیه بمبئی داده شده و هر جا چاپ‌های دیگر مدنظر بوده سال انتشار آن تغییر یافته است.

از نظر ایوانف، این دست ویرایش‌ها از آن رو در نسخه گشایش و رهایش مشخصند که کاتبان بعدی هر آنچه را که «مؤلف نویسنده» نوشته بود با رعایت امانت، حفظ کرده‌اند. او البته این احتمال را می‌داد که برخی از نظرات آن کاتب (که خود را مؤلف نویسنده خوانده بود) هم حذف شده باشند. وی بر این اساس نتیجه گرفت که بر اثر همین سانسورها و ویرایش‌هاست که آثار ناصر خسرو که احتمالاً محتوای آن‌ها مصداق «حقایق» در ادبیات فاطمیون بوده، عاری از حقایق اسماعیلی شده و اکنون صرفاً محتوایی از سنخ حکمت عام یافته‌است (ibid: 4-6).

چهار سال بعد، نفیسی نیز در مقدمه چاپ دوم گشایش و رهایش نوشت: «چنان می‌نماید که کاتب این نسخه در ضمن کتابت برخی تصرفات کرده‌است (نفیسی، ۱۳۴۰: د). ایوانف، در مقدمه انگلیسی خود، چکیده‌ای از همان فرضیه کتاب مشکلات زندگی نامه ناصر خسرو را بیان داشت؛ او یک بار دیگر به مسئله سانسور شدن قسمت‌هایی اشاره کرده که گویا از نظر خوانندگان سنی ارتدکس آن دوران بدعت به‌شمار می‌رفته‌است (ایوانف، ۱۳۴۰: 011). وی ضمن اظهار بدگمانی نسبت به دستبردهایی که گویا در آثار ناصر خسرو کم هم نیست، گفت که «تتها» در نسخه این کتاب است که کاتب به دست بردن در متن و در واقع تصحیح آن اعتراف کرده‌است (همان: 012). ایوانف یک بار دیگر شماره صفحاتی را که به‌زعم او در آن‌ها تحریف رخ داده، ذکر کرد و تصریح نمود که مشخص کردن تحریف‌ها و بخش‌های حذف‌شده متن با توجه به تک نسخه‌ای بودن آن کاری دشوار است (همان‌جا).

چند دهه بعد، فقیر محمد هونزایی، در مقدمه‌ای بر ویرایش خود از متن گشایش و رهایش، بر مخدوش بودن نسخه صحه گذاشت و نادرستی‌های آن را به دو دسته تقسیم کرد: ایرادهای نوشتاری و نادرستی‌های محتوایی (Hunzai, 1988: ix). هونزایی می‌پنداشت که اشکالات معنایی متن، ناشی از تلاش کاتبی ناشناس در جهت سانسور متن و کاستن محتوای اسماعیلی آن بوده تا متن را برای خوانندگان غیراسماعیلی مناسب سازد (ibid: x). چند سال پیش از آنکه هونزایی به ترجمه و ویرایش گشایش و رهایش پردازد، در سال

۱. منظور از تصحیح، معادل کلمه emendation است که در مقدمه ایوانف آمده‌است، نه آنچه که تحت عنوان «تصحیح انتقادی» متن در حوزه ادبیات و متن‌شناسی کاربرد دارد.

۱۹۹۲، فرهاد دفتری در کتاب تاریخ و عقاید اسماعیلیه همانند ایوانف به این نکته اشاره کرد که بیشتر آثار ناصر خسرو «در دست نسخه برداران و کاتبان سنی متخاصم، که سعی داشته‌اند گرایش‌های اسماعیلی آن‌ها را حذف کنند، مورد تفتیش و جرح و تعدیل قرار گرفته‌است» (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۴۸)؛ او «گشایش و رهایش» را مصداق اثری معرفی کرد که در آن کاتب به «حکّ و اصلاح و جرح و تعدیل» برخی از «عبارات متن اصلی» به صراحت اذعان داشته‌است (همان: ۷۳۲).

براساس جستجوهای ما تاکنون در جای دیگری درباره اصالت متن کتاب گشایش و رهایش سخنی نرفته‌است.^۱ تا اینجا مشخص شد که کاتبی ناشناس در متن اصلی دست برده و این کاتب قطعاً غیر اسماعیلی و دست‌بردارش در متن بیشتر عیب‌جویانه و مغرضانه است. آن چه مبهم مانده، همان‌گونه که ایوانف و هونزایی نیز در مقدمه‌های خود بیان

۱. نک. (منابع بر اساس تاریخ انتشار نخستین چاپ هر یک مرتب شده‌اند) ایوانف (Ivanow, 1933) از وجود گشایش و رهایش هنوز اطلاعی نداشته‌است؛ همو بعدها (Ivanow, 1948-b) بدون آن‌که بخشی متن شناختی درباره گشایش و رهایش به پیش بکشد صرفاً آن را متعلق به دوره اولیه فعالیت‌های ناصر خسرو دانسته‌است؛ صفا (۱۳۸۸: ۸۹۷/۲) بخشی از آغاز کتاب گشایش و رهایش را آورده ولی درباره آشفته‌گی‌های متن حرفی نزده‌است؛ برتلس (۱۳۴۶) سخنی از گشایش و رهایش به میان نیاورده‌است؛ ریپکا (Rypka, 1968: 187) صرفاً سخنان ایوانف درباره سانسور محتوای اسماعیلی آثار ناصر خسرو از جمله گشایش و رهایش را تکرار کرده‌است؛ در هیچ یک از مقالات یادنامه ناصر خسرو (۱۳۵۵) [= ۲۵۳۵] درباره اصالت متن و نسخه گشایش و رهایش سخنی نرفته‌است؛ هانسبرگر (۱۳۸۰) گشایش و رهایش را در میان آثار ناصر خسرو برشمرده‌است ولی به وضعیت متن و نسخه آن پرداخته؛ دفتری (Daftary, 2004) نیز صرفاً فهرست کتاب‌شناختی از آثار اسماعیلی تنظیم کرده‌است و کارش جنبه متن‌شناختی ندارد؛ عمادی حائری (1383) نیز گشایش و رهایش را در زمره آثار ناصر آورده و وارد بحث متن‌شناختی نشده‌است؛ لندلت و دیگران (Landolt et al., 2008) گزیده‌هایی از متن گشایش و رهایش را آورده‌اند، لیکن در باب تغییرات در متن آن سخنی نگفته‌اند؛ سعید شریفی (۱۳۸۷) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تصحیح انتقادی گشایش و رهایش» نظر ایوانف را در باب دست‌برد کاتب در متن پذیرفته‌است؛ در مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۹۴) نیز درباره متن گشایش و رهایش سخنی نیست؛ مدخل‌های گشایش و رهایش و ناصر خسرو در جلدهای پنجم و ششم دانشنامه زبان و ادب فارسی (۱۳۹۶) بحثی درباره متن و نسخه گشایش و رهایش ندارند؛ دهقانی (۱۳۹۷: ۳۳۹-۳۴۲) گشایش و رهایش را از تألیفات ناصر خسرو برشمرده و گزیده‌ای از آن را هم آورده، اما از سر بحث‌های متن‌شناختی گذشته‌است.

کرده‌اند، محدوده این دستبردهاست و دیگر این که چرا کاتب مذکور خود را محقق می‌پنداشته که هرچه می‌خواهد نقل یا حذف کند، و هرکجا که می‌خواهد ردیه بنویسد. با در نظر گرفتن این موارد و شواهد دیگری از خود متن، این پرسش را مطرح می‌کنیم که آیا کتاب گشایش و رهایش چاپی همان گشایش و رهایش است که کاتبی در آن تصرف کرده یا، در واقع، کتاب دیگری است در ردّ گشایش و رهایش اصلی که پس از تحریف‌ها به صورت فعلی درآمده و نام گشایش و رهایش به آن داده شده است؟

۳. تعیین حدود متن اصلی گشایش و رهایش و بررسی ماهیت افزوده‌ها

در اینجا به تعیین حدود تصرفات در متن گشایش و رهایش و نیز به ذکر مواردی خواهیم پرداخت که در تعیین «حدود» تصرفات با دیگران (ایوانف، هونزایی و مینوی) اتفاق نظر نداریم. با توجه به شواهد موجود از متن و استناد به همین مواردی که به‌عنوان «تصرف کاتب» اشتهار یافته‌اند، نشان می‌دهیم که به احتمال زیاد، متن منتشرشده به‌عنوان گشایش و رهایش در اصل ردیه‌ای بر گشایش و رهایش است و ناهماهنگی‌ها و تناقضات متن بیشتر از آن است که تصرف کاتب انگاشته شود. همان‌طور که در کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی رازی و تهافت التهافت ابن رشد هم دیده می‌شود، در ردیه‌ها معمول است که اول بخشی از کتاب مورد انتقاد را نقل می‌کنند و سپس به رد آن می‌پردازند. همین نقل از کتاب اصلی ممکن است یکی از علل آمیختگی متن ردیه با متن اصلی باشد و خواننده تصور کند که این ردیه همان متن اصلی است که صرفاً مورد دستبرد قرار گرفته‌است.

در ادامه، به ترتیب مواردی را بررسی می‌کنیم که «تصرف کاتب» شمرده شده است. بخش‌هایی را که مینوی و نفیسی مشخص کرده‌اند به ترتیب در { } و [] آورده‌ایم و قسمت‌هایی را که ایوانف معین کرده‌است با < > نشان داده‌ایم و زیر بخش‌هایی هم که هونزایی در ویرایش خود حذف کرده خط کشیده‌ایم تا موارد اختلاف میان آن‌ها به راحتی قابل مشاهده باشد. همچنین، مواردی را که از نظر نگارنده جزو ردیه است (چه پیش‌تر بدان اشاره شده، یا نشده باشد)، با ایرانیک نشان خواهیم داد.

۱-۳.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و الصلوة على سيد المرسلين محمد و آله اجمعين و سلم تسليمًا كثيرًا، اما بعد، اين مختصر چند مسائل مختلف فيه است که در قلم آمد، می گوید دانستم ای برادر... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱؛ قس. Hunzai, 1998).

به نظر می رسد تمام این دو سطر، که مفتح کتاب است، از همان ردیه باشد نه از اصل گشایش و رهایش. هونزایی هم که به زعم خود به حذف قسمت های الحاقی پرداخته، عبارت «اما بعد، اين مختصر چند مسائل مختلف فيه است که در قلم آمد، می گوید» را حذف کرده است. مانند کتاب های دیگر، این ردیه نیز با مقدمه ای آغاز شده که در آن علت تألیف بیان شده است. بر خلاف نظر هونزایی، همان بخش عربی ابتدای کتاب هم ظاهراً متعلق به کتاب ردیه است. ردیه نویس کتاب را چنان که معمول است با نام خدا و صلوات بر پیامبر آغاز کرده و با ذکر این که این نوشته مختصر «چند مسائل مختلف فيه» است موضوع تألیف خود را روشن کرده و در چند خط بعد نیز علل تألیف کتاب را بیان کرده است. ضمناً از نویسنده کتاب گشایش و رهایش با صیغه سوم شخص مفرد («می گوید») یاد می کند و این مسئله باز هم در ادامه دیده می شود و بدان اشاره خواهد شد.

۲-۳.

{ما نیز چون از دوستان مکلفیم شرح بعضی ازین کلمات و نکته درین موضع بگوئیم تا جای دیگر مکرر نباید کرد، اسم این کتاب به گشایش بعضی ازین کلمات حق است اما رهایش را علی الاطلاق مستجمع نیست و این نکته از آن گفتم تا چون بوضعی که نه رهایش باشد اشارت کرده شود ارباب معانی و اصحاب خرد دانند که آن کدام نکته است. بسر سخن باز شویم} ... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱-۲؛ قس. مینوی، مجموعه، مینوی: ۸۵؛ ایوانف، ۱۳۲۸: xii؛ ۱؛ Hunzai, 1998).

این قسمت در ویرایش هونزایی حذف شده و در نسخه مینوی هم به عنوان سخن مترجم مشخص شده است. در این بخش، نویسنده ردیه علت تألیف خود را بیان می کند و بعد با گفتن «بسر سخن باز شویم» به کتاب گشایش و رهایش باز می گردد و از آن نقل می کند.

۱. در چاپ اول و دوم (۱۳۲۸ و ۱۳۴۰) گشایش و رهایش رسم الخط نسخه حفظ شده بود که در اینجا جهت تسهیل خواندن آن را به رسم الخط امروزی تغییر دادیم.

۳-۳.

{گوئیم نخست بیاید شناخت که زمان چیست تا این گره گشاده گردد اینجا مغالطه بزرگ هست، اما بآخر فصل شرح کنیم تا سخن وی از نظم که نهاده است بیرون نشود.}

بیاید دانست که زمانه بحقیقت کارکرد کارکن است از بهر آنکه زمانه جنبش فلک است... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۳؛ قس. مینوی، مجموعه، مینوی: ۸۶؛ ۲: Hunzai, 1998).

قسمتی که زیر آن خط کشیده شده از ویرایش هونزایی حذف شده است. اما مینوی آنچه را که در { } آمده الحاقی دانسته است. احتمالاً نظر هونزایی به صواب نزدیک تر است، زیرا اگر صرفاً همان قسمت را حذف کنیم، میان جمله قبل و بعدش ارتباط منطقی وجود خواهد داشت، به این صورت که می‌گوید اول باید مشخص شود منظورمان از زمان چیست، زیرا زمان را جنبش فلک تعریف می‌کند. لزومی ندارد که مانند مینوی جمله قبلی را هم الحاقی بدانیم.

۴-۳.

از انتهای صفحه ۹ تا نیمه‌های صفحه ۱۳، همان‌طور که ایوانف، هونزایی و مینوی مشخص کرده‌اند^۱، متعلق به کتاب گشایش و رهایش نیست، بلکه نقد مؤلف ردیه بر گشایش و رهایش است. همان‌طور که در متن می‌توان مشاهده کرد، مؤلف ردیه به دو صورت به نقل از گشایش و رهایش می‌پردازد: یکی این که یک یا چند بند از گشایش و رهایش را نقل می‌کند و سپس به نقد و رد می‌پردازد؛ و دیگر این که، در خلال نقد و رد، یک یا چند جمله از مطلبی را که قبلاً نقل کرده دوباره می‌آورد و به رد آن اقدام می‌کند. برای مثال، در صفحه دوازده که بخشی از متن ردیه است، جمله «امر باری تعالی که اثرست ازو» آمده و همین جمله پیش از آن در بخشی که متعلق به گشایش و رهایش است هم آمده است.^۲ به نظر می‌رسد که لازم است برای تصحیح مجدد متن به این نکته توجه شود؛ چه بسا بتوان برخی

۱. نک ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۹-۱۳؛ قس. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۹۰-۹۴؛ ایوانف، ۱۳۲۸: xii؛ Hunzai, 1998: ۶.

۲. در چاپ نفیسی این جمله به صورت «و امر باری تعالی اثرست نه جزو» آمده است (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۶)؛ اما در رونوشت مینوی، «امر باری از باری تعالی اثرست نه جزو» ضبط شده است (مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۸۸).

از جمله‌های حذف‌شده گشایش و رهایش را از جمله‌های نویسنده ردیه بازسازی کرد. در انتهای این قسمت مؤلف ردیه می‌گوید:

چون اینجا رسیدیم دگر موضع ایشان بگذاشتیم که آن کراء تکرار نکند بدان معنی که در ماتقدم گفته آمده است، سؤالات آنچه تحقیقی دارد بنویسیم وگر در اثناء کلمات او مغالطه یا خبیثی باشد بدان اشارت کرده‌آید تا کسی را خیال فاسد رنجه ندارد، والسلام. (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۳)

می‌توان با استناد به همین بخشی که با قلم تیره مشخص شده است، با احتیاط گفت که گشایش و رهایش احتمالاً در پاسخ به بیشتر از سی سؤال نوشته شده بوده، یا اگر هم صرفاً در پاسخ به سی سؤال نوشته شده، سؤالات نه به صورت کامل که خلاصه‌وار نقل شده است.

۵.۳

در رابطه با مسئله دوم و پاسخ آن (ص ۱۳ تا ۱۶) باید بسیار محتاط و دقیق بود، چرا که این بخش از متن بسیار آشفته است و افتادگی و نادرستی فراوان دارد. از همین رو، حدود ردیه را در آن با قلم ایرانیک مشخص نمی‌کنیم. برای مثال، بخشی از پاسخ آن در چاپ اول نفیسی به این صورت است:

بدان ای برادر که سؤال بر قانون راست باید چون [۱] می‌گوید که دو چیزست که یکی از دیگری پیش^۱ نبوده باشد آن هر دو یا قدیم باشند یا محدث، > این سخن درستست ولیکن چون [۲] می‌گوید دو چیز که از دیگری پیش باشد اندر بودش اگر میان ایشان روزگاری [۳] باشد تا^۲ هر دو محدث باشند یا قدیم این سخن درست نباشد از بهر آنک [۴] گفت آن دو چیز یکی از دیگری پیش باشد چنانک کارکن از کارکرد بیش است، آن‌گاه [۵] گوید میان ایشان در بودش روزگار نبود قدیم و محدث لازم نیاید، و اینرا برهان باید، اما اگر بدین آن [۶] می‌خواهد که میان دو چیز که روزگار نباشد یکی از ایشان پیش از یار خویش نشاید که بود، چون یکی پیش از دیگری [۷] باشد یا هر دو قدیم باشد^۳ یا هر دو محدث، گوئیم این قاعده درست نیست و اگر نه قول تو راست بودی از بهر آنک چون دو چیز

۱. در رونوشت مینوی به صورت یکدست «بیش» ضبط شده است (مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۹۵).

۲. در رونوشت مینوی «یا» ضبط شده است (همان‌جا).

۳. در رونوشت مینوی «باشند» ضبط شده است (همان‌جا).

باشند که ازیشان یکی از دیگری پیش نباشد بروزگار قدیم و محدث لازم [۸] نیاید > و اگر یکی از دیگری بضرورت بیش [۹] نباشد روزگار لازم نیاید» (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۴؛ قس. ایوانف، ۱۳۲۸: xii: ۶-۷: Hunzai, 1998).

ایوانف بخش داخل > را دست خورده دانسته است. هونزایی هم در تلاش جهت یکدست کردن محتوای متن، از هیچ گونه اعمال تغییری مضایقه نکرده و در همین خطوط مشخص شده، فعل های سوم شخص را به دوم شخص برگردانده و چهار فعل را به صورت عکس آورده است؛ به این صورت که فعل های ۱ تا ۹ را به ترتیب به شکل های «۱: می گویی»، «۲: می گویی»، «۳: نباشد یا»، «۴: گفتی»، «۵: گویی»، «۶: می خواهی»، «۷: نباشد»، «۸: آید»، «۹: باشد» ضبط کرده که موافق هیچ کدام از نسخه ها/رونوشت ها نیست.

از طرفی، همان طور که پیش از این گفتیم و در ادامه نیز اشاره خواهیم کرد، در این متن هر جا که مؤلف ردیه راجع به نویسنده گشایش و رهایش سخن گفته، صیغه سوم شخص به کار برده است و هر جا نویسنده گشایش در پاسخ «برادر» که از وی سؤال پرسیده سخنی گفته، از صیغه دوم شخص استفاده کرده است. این که می بینیم در عبارات منقول در بالا صیغه سوم شخص به کار رفته، خود دلیلی بر تعلق آن به بخش ردیه تواند بود: ردیه ای که در واقع جملات کتاب اصلی در بین جملاتش نقل شده است.

اما آنچه تا این جا گفته شد درباره چند خط از پاسخ مسئله دوم بود. با این حال، به نظر می رسد که علاوه بر پاسخ، در صورت سؤال هم آشفتگی هایی وجود دارد. یعنی، اشکال این بخش ناشی از آن است که سؤال و جواب گشایش و رهایش و نقد مؤلف ردیه چنان در هم آمیخته که با اطمینان نمی توان محدوده دقیق سخن را تعیین کرد. گویا برخلاف آنچه در مقدمه چاپ های گشایش و رهایش در باب سانسور شدن متن آن آمده، سانسور دیگری نیز در این کتاب وجود دارد: سانسوری که خود اسماعیلی ها به مرور زمان اعمال کرده اند؛ به عنوان شاهد، می توان به آخرین ویرایش اسماعیلی ها از متن کتاب، یعنی ویرایش هونزایی، اشاره کرد. به گمان نگارنده، خوانندگان و کاتبان اسماعیلی در طی زمان سعی داشته اند کتاب گشایش و رهایش واقعی را از میان آنچه با ردیه مخلوط شده بیرون بکشند و بازسازی

کنند؛ به این منظور، آنچه را که متعلق به گشایش و رهایش نمی‌دانسته‌اند، حذف کرده‌اند (مشابه آنچه هونزایی انجام داده‌است). با توجه به این‌که در این فرآیند بدفهمی‌هایی هم صورت گرفته، چه بسا بخشی از متن گشایش و رهایش به اشتباه به دست خود اسماعیلی‌ها حذف و بخش‌هایی از ردیه حفظ شده‌است؛ همان‌طور که از ویرایش هونزایی برمی‌آید. حذف شدن قسمت‌های ردیه در طی زمان باعث شده که موجودیت آن به کلی فراموش گردد و بقایای عبارات آن به عنوان «تصرف کاتب» شناخته شود. چیزی که نمی‌توان به روشنی نشان داد تدریجی بودن یا نبودن این فرآیند است. آیا حذف‌های اساسی و اولیه کتاب ردیه کار یک نفر بوده یا چند نفر؟ اگر کار یک نفر بوده آیا او همان کاتب یا گردآورنده نسخه مجموعه بوده یا پیش از وی این اتفاق افتاده‌است؟ پرسش‌هایی از این نوع کم نیستند و به نظر نمی‌رسد که تا یافتن دست‌کم یک نسخه قدیم دیگر از این ردیه بتوان در این باب نظر قطعی داد.

۳-۶.

از صفحه ۸۲ («درین موضع بیش از آنک مسأله دیگر نویسیم مؤلف نویسنده را غیرتی بجنید...») تا صفحه ۸۴ (تا سر مسأله بیست و دوم) توسط ایوانف و مینوی مشخص شده و در متن هونزایی هم به صورت کامل حذف شده‌است (نک ناصر خسرو، ۱۳۲۸: ۸۲-۸۴؛ قس. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۱۴۵-۱۴۷؛ ایوانف، ۱۳۲۸: xii؛ ۴۹؛ Hunzai: 1998). نفیسی در متن، اندکی متفاوت عمل کرده و از چند کلمه پیش از دیگران، یعنی از ابتدای بند («و حق اینست») شروع کرده و چند کلمه هم زودتر از دیگران ختم کرده‌است («بدین واجب است والسلام») و تمام آن را داخل [] آورده‌است. گوینده این جمله که در چاپ‌های نفیسی و هونزایی به عنوان کاتب و در هامش نسخه مینوی گاه کاتب و گاه مترجم معرفی شده‌است، از خود با عنوان «مؤلف نویسنده» نام می‌برد. اگر این فرد کاتب یا مترجم است چرا باید از خود به عنوان «مؤلف نویسنده» یاد کند؟ آیا معمول است که کاتب از خود با عنوان «مؤلف نویسنده» یاد کند؟ این نکته وقتی در کنار بیان علت تألیف - که پیش‌تر ذکر آن آمد - قرار گیرد، ذهن به وجود کتاب ردیه رهنمون می‌شود.

پیش‌تر گفته شد که نویسنده ردیه، در خلال نقد خود، عباراتی از متن گشایش و رهایش را نیز به قصد رد و انکار نقل می‌کرده‌است. طی جرح و تعدیلی که احتمالاً از سوی اسماعیلیان برای حذف انتقادات نویسنده ردیه صورت گرفته است، برخی از عبارات گشایش و رهایش که در میانه انتقادات ردیه‌نویس بوده هم حذف شده‌اند. در اینجا نیز شاهد دیگری وجود دارد که این فرضیه را تایید می‌کند. در میان همین نقدی که مؤلف ردیه وارد کرده، آمده‌است:

این همه حجت‌ها که آورده‌است بر کلام آورده‌است که آفریده یا محدثست کن فیکون کلام هست کل موجودات ازین دو حرف ساکن و متحرک در وجود آمد فعل درین کدامست نفاذ امر و این معنی کمال قدرت ربوبیت است، این بحدوث و بخلق چه تعلق دارد و... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۸۲)

قسمتی که با قلم تیره مشخص شده از معتقدات اسماعیلیان است (نک. دفتری، ۱۳۷۷: ۶۸۸/۸) و به احتمال زیاد از جواب سؤال بیست‌ویک گشایش و رهایش نقل شده‌است، اما در پاسخ سؤال بیست‌ویک متن موجود دیده نمی‌شود. می‌توان با احتیاط «و این معنی قدرت ربوبیت است» را هم جزء گشایش و رهایش دانست که در خلال نقد مؤلف ردیه آمده‌است و باز هم در اثنای جواب مسئله بیست‌ویک گشایش و رهایش دیده نمی‌شود. در مطالبی که در صفحه ۸۳، و در ادامه همین بخش آمده، نیز احتمالاً موارد دیگری از گشایش و رهایش نقل شده که با نقد مؤلف ردیه آمیخته شده و جزئی از آن (آن گونه که پیش‌تر پنداشته می‌شد: جزئی از تصرفات کاتب) به شمار رفته‌است. بندی که با «پس هرچ مرکبات و محسوسات است بوهم بردار» آغاز می‌شود هم تا حدودی مشکوک به نظر می‌آید، اما مشخص ساختن حدود آن فعلاً در توان نگارنده نیست.

۳-۷.

دانیم که حال کل این جهان همچنانست و چنین خواهد بود <اینجا زخم در کرد>
پس گوئیم چون نفس مردم نادان باشد... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۰۸؛ قس. ایوانف،
۱۳۲۸: xii؛ ۶۴؛ Hunzai, 1998).

بخشی که مشخص شده‌است از سوی ایوانف نیز مشخص شده و در چاپ هونزایی هم

حذف شده است. با توجه به این که ادامه آن از نظر محتوا منطقاً دنباله جمله پیش از آن است، بعید نیست که مؤلف ردیه در این موضع نقد خود را آورده بوده و بعدها حذف کرده اند. از همین روی هم هست که صرفاً عبارت اول نقد وی بر موضع نویسنده گشایش و رهایش بر جای مانده است.

۸-۳.

و هر چه درین عالم چیز است باین پنج ترازو سخته و پیموده شود و تفاوت که در چیزهاست بدین ترازوها برخیزد و خلق بحکم این ترازوها کار کنند و بمیانجی ایشان هر کس بحق خویش رسند {>} اینجا نیز حشوات و خیالات و قیاسات ناصحیح بسیار بود، بگذاشتیم که بدان کاری نداشتیم، آنچه بعلم نزدیک تر بود نوشته آمد {<} اکنون ترازو و روحانی نیز پنج باید... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۲۱؛ قس. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۱۷۴؛ ایوانف، ۱۳۲۸: xii؛ ۷۲؛ Hunzai, 1998).

مینوی، ایوانف و نفیسی هر سه این بخش را مشخص کرده اند و هونزایی هم آن را از ویرایش خود حذف کرده است. اگر بخواهیم تمام موارد اشاره شده از جمله مورد حاضر را ناشی از تصرف «کاتب» بدانیم، باید نمونه های دیگری هم از متون دیگر سراغ داشته باشیم که کاتب مطلبی را عامدانه حذف کند و آشکارا به حذف کردن متن اذعان داشته باشد و به عنوان دلیل خود برای حذف متن بگوید که «بدان کاری نداشتیم»؛ یا دست کم شواهدی داشته باشیم که بر مبنای آن ها بتوان استنباط کرد که در سنت کتابت ما مرسوم بوده کاتب به میل و تشخیص خود بخشی از متن را حذف کند و آشکارا هم بدان معترف باشد.

۹-۳.

و چون ترازوهای کثیف بیک دیگر نماند این ترازوها نیز بیک دیگر نمانند، {بهمان صفت نکته ای گفته است اگر بنه گویم پندارند که من درین کلمات بغرض نقصی آوردم، سخن او برین شش صدا نیست^۱ که نادانان از دشمنی خاندان رسول علیه الصلوة که علم حقیقت بدست ایشانست می گویند ترازو ایست از آسمان آویخته مر سختن نیکی و بدی را، یک کفه آن ترازو بمشرقست و دیگر کفه بمغرب و چون ایشان را گوئی چرا پس

۱. در چاپ های نفیسی چنین آمده است، در چاپ هونزایی این بخش حذف شده است اما به کمک نسخه های مینوی و فروزانفر می توان دریافت که «ضد اینست» درست است نه «صدا نیست» (نک. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۱۷۵ و فروزانفر، گشایش و رهایش، کتابخانه مرکزی: ۴۳).

ما مرین ترازو را نمی‌بینیم و همه جهان بعمود وی اندرست بدعوی شما نیکی و بدی را چگونه توان سخت بدین ترازو؟ خشم گیرند و بغلبه مشغول شوند و حقیقت چیزها را ندانند و نجویند، خدای تعالی نه چنین می‌گوید که ایشان می‌گویند، می‌گوید الله الذی انزل الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و چون کتاب قرآنست ما دانیم که ترازو که خود او بود زیراک فرستاده خدای کتاب و رسولست و دروغ‌زنان اهل آتش‌اند، پس گوئیم ترازوهای نفسانی که بدو چیزهای نفسانی توان سخت که نفس را بدان رستگاری باشد نیز پنج است و یکی ازین پنجه‌ها برترست آنک برترست عقلست... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۲۲؛ قس. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۱۷۴-۱۷۵؛ Hunzai, 1998: ۷۲).

تنها قسمتی که زیر آن خط کشیده شده در ویرایش هونزایی حذف شده‌است. مینوی در هامش رونوشتش تمام قسمتی را که در {} آمده از کاتب دانسته و ایوانف به این بخش هیچ اشاره‌ای نکرده‌است. به نظر می‌رسد که نمی‌توان تمام بخشی را که مینوی مشخص کرده متعلق به کاتب (نویسنده ردیه) شمرد. با توجه به عبارت «از دشمنی خاندان رسول...» که علم حقیقت بدست ایشانست»، می‌توان گفت این بخش متعلق به نویسنده گشایش و رهایش است که به صورت نقل قول در متن ردیه آمده‌است. به همین صورت، جمله بعدی هم ظاهراً نقل از گشایش و رهایش و به قصد نقد آن در عبارت بعدی است. در واقع، از قسمتی که توسط مینوی مشخص شده، احتمالاً آنچه که با قلم تیره مشخص کرده‌ایم نقل از گشایش و رهایش باشد. البته باز هم آشفتگی‌هایی دیده می‌شود که بعید نیست ناشی از حذف عباراتی در میانه کلام باشد. مشخص است که بعد از قسمت مشخص شده توسط مینوی، عبارتی آمده که ادامه منطقی متن پیش از آن است.

۱۰-۳.

و پنجم ترازو امام زمانه است {} اینجا نیز اظهار کرد این دقیقه‌ها از آن می‌نویسم که کتاب بخط منست نباید که کسی را ظن بد افتد و واجب دیدم این دقیقه‌ها و تعبیه‌ها را باز دیدن {} و نیز باید که مر نفس مومن را از پذیرفتن سخن خدا نشان باشد و آن نشان شنیدن علم حقیقت است و... (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۱۲۳؛ قس. مینوی، مجموعه، کتابخانه مینوی: ۱۷۵؛ Hunzai, 1998: ۷۳).

قسمت نشان‌دار را مینوی و نفیسی مشخص کرده‌اند و در ویرایش هونزایی نیز حذف شده‌است.

۴. زمان تقریبی تألیف ردیه

زمان نگارش ردیه مشخص نیست، اما در متن شاهدی وجود دارد که می‌توان به پشتوانه آن، تاریخ تألیف را به‌طور تقریبی حدس زد. در صفحه ۸۴ چاپ اول گشایش و رهایش (ناصرخسرو، ۱۳۲۸) که در بخش قبلی (نک. ۳-۶) آن را قسمتی از ردیه دانستیم، چنین آمده‌است:

هم بسته خورمی بتا و هم نامی زنی خواسته است که این هر دو به هم جمع کند...

در پانویس همان صفحه درباره آن آمده‌است:

در اصل چنینست و پیداست که درست نیست و شاید مصرعی بوده است بدین گونه «هم نسبه خوری بتا و هم پای زنی» (نفیسی، ۱۳۲۸: ۸۴).

بعدها، این مصرع در پانویس چاپ دوم به این صورت ضبط شده است:

در اصل چنینست و پیداست که درست نیست و شاید مصرعی بوده‌است بدین گونه: «هم پسته خوری بتا و هم نای زنی» (نفیسی، ۱۳۴۰: ۶۶).

حدس دوم نفیسی به صواب نزدیک‌تر است و برای اثبات آن می‌توان به رباعی ۱۸۸۶ منسوب به مولوی اشاره کرد که حاوی مصرع فوق است:

چون مست شوی، قرابه بر پای زنی با دشمن جان خویشتن رای زنی
هم پست خوری مها و هم نای زنی این طمع مکن که هر دو یک جای زنی
(مولوی: ۱۳۶۳: ۳۱۷/۸)

البته در رباعی منسوب به مولوی به جای «بتا» «مها» آمده، اما با توجه به رونوشت‌های دیگر از نسخه مجموعه تقوی، به نظر می‌رسد که ضبط این کلمه در نسخه ملکی او «بتا» بوده‌است. این که «ی» در «خوری» و «نای» به‌اشتباه «می» خوانده شوند نیز مستبعد نیست. البته تفاوت اصلی‌تر «پست» و «پسته» است که در متن ردیه مصراع را بی‌معنی کرده‌است. اگر انتساب رباعی را به مولوی بپذیریم یا حداقل بپذیریم که این رباعی و یا حتی مثل‌گونه «هم پست خوری بتا و هم نای زنی» در قرن هفتم رایج بوده است، می‌توان گفت که تألیف ردیه پیش از قرن هفتم صورت نگرفته‌است. از طرفی، اگر طبق نظر نفیسی، نسخه تقوی را متعلق به قرن هشتم بدانیم، می‌توان تاریخ تقریبی تألیف ردیه را قرون هفتم و هشتم تعیین کرد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد ارائه شده و دلایل یاد شده، به نظر می‌رسد متنی که به‌عنوان گشایش و رهایش به چاپ رسیده، در واقع «ردّ بر گشایش و رهایش» است. کتابی به نام گشایش و رهایش با مشرب اسماعیلی در پاسخ به سی سؤال یا بیشتر وجود داشته که به احتمال زیاد در دوره مستنصر فاطمی نوشته شده بوده است (ناصرخسرو، ۱۳۲۸: ۸۶) و احتمالاً در قرن هفتم یا هشتم ردّیه ای بر آن نوشته شده و، چنان‌که از فحوای آن برمی‌آید، این ردّیه را احتمالاً متکلمی سنی مذهب نوشته است. شیوه ردّیه‌نویس این بوده که فقط بخش‌هایی از گشایش و رهایش اصیل را ذکر کرده و سپس به نقد و رد آن پرداخته است. به‌علاوه، ردّیه‌نویس ضمن نقض و رد گشایش و رهایش ناگزیر بوده تا جمله‌هایی از آن را دوباره نقل کند؛ همین امر یکی از علل آمیختگی دو متن بوده و مشخص کردن محدوده نقد مؤلف ردّیه را دشوار ساخته است.

این که تعداد سؤالات بیشتر از سی بوده یا نه مشخص نیست، اما به احتمال زیاد، خاتمه کتاب واقعاً آن نبوده که نسخه موجود نشان می‌دهد. کتابی که مقدمه دارد و در آن دلیل تألیف هم آمده (هم گشایش و رهایش و هم ردّ بر گشایش و رهایش)، احتمالاً مؤخره یا اختتامیه‌ای هم داشته است. «والسلم» که در پایان جواب مسئله سی‌ام آمده، در پایان پاسخ مسئله سوم، و پایان سؤالات ۱، ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۲۳ و ۲۴ هم آمده است و دلیل بر ختم کتاب نیست. این کتاب به مرور زمان و به دست یک یا چند نفر، احتمالاً اسماعیلی، تغییر داده شده و به صورت حاضر درآمده است. هدف این فرد یا افراد هم، در واقع، بازسازی صورت اصیل کتابی بوده که به مشرب خودشان تعلق داشته است. هونزایی، به‌عنوان عامل اخیر جریان حذف و تغییر متن ردّیه، در مقدمه خود هدف از ویرایش متن را بازسازی و تصحیح گشایش و رهایش دانسته است. بنابراین، قسمت‌هایی از کتاب ردّیه که به نقد و نقض مطالب گشایش و رهایش اختصاص داشته حذف شده و چه بسا در فرآیند حذف، بخش‌هایی از خود گشایش و رهایش هم حذف شده باشد. در طی فرآیند حذف نقدهای کتاب ردّیه، به اشتباه و احتمالاً به‌سبب بدفهمی متن، بخش‌هایی از این کتاب در متن آنچه امروزه با نام گشایش و رهایش می‌شناسیم همچنان بر جا ماند. با این حال، بیشینه متن ردّیه حذف شد و

همین امر موجب شد که گمان برند آنچه بر جا مانده، نه ردّ بر گشایش و رهایش، که خود گشایش و رهایش است و بخش‌های به‌جامانده از ردّیه را هم تصرفات کاتب بپندارند.

منابع

- ایوانف، ولادیمیر. مقدمه ← ناصر خسرو (۱۳۲۸).
- _____ . مقدمه ← ناصر خسرو (۱۳۴۰).
- برتلس، آی. (۱۳۴۶). ترجمه یحیی آرین‌پور. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- تقی‌زاده، حسن. مقدمه ← ناصر خسرو (۱۳۰۴-۱۳۰۷).
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۸. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ سوم. تهران: فرزانه روز.
- _____ (۱۳۷۷). «اسماعیلیه». در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی. تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۷۰۲-۶۸۱/۸.
- _____ (۱۳۹۶). «ناصر خسرو». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی: اسماعیل سعادت. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۳۵۵-۳۵۱/۶.
- دهقانی، محمد (۱۳۹۷). ناصر خسرو. تهران: نی.
- ذبیحی، رحمان (۱۳۹۶). «گشایش و رهایش». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی: اسماعیل سعادت. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۵۰۱-۵۰۰/۵.
- زنجانی، ابراهیم. حاشیه ← گشایش و رهایش (بی‌تا).
- شریفی، سعید (۱۳۸۷). «تصحیح انتقادی گشایش و رهایش». پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی. به راهنمایی محمدحسن حسن‌زاده تیری.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم. چاپ هفدهم (چاپ اول: ۱۳۶۶). تهران: فردوس.
- عمادی حائری، محمد (۱۳۸۳). «در باب آثار ناصر خسرو». نامه انجمن، ش ۱۴ (تابستان): ۱۳-۲۲.
- فروزانفر. بدیع‌الزمان. حاشیه ← مجموعه (بی‌تا).
- کشف‌المحجوب (۱۳۱۰). کتابت به خط ابراهیم زنجانی. نسخه ۱۷۹۲ (= ۸۱ تصوف فارسی) دار الکتب قاهره.
- گشایش و رهایش (بی‌تا). نسخه ۱۱۶۹۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

- _____ (۱۳۱۱). کتابت به خط بدیع الزمان فروزانفر. نسخه ۸۸۶۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- مجموعه (۱۳۰۷). کتابت به خط مجتبی مینوی. نسخه ۱۳۹ کتابخانه مجتبی مینوی.
- _____ (بی تا). کتابت به خط بدیع الزمان فروزانفر. نسخه ۸۷۹۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ج ۸. تهران: امیرکبیر.
- ناصر خسرو (۱۳۲۸). گشایش و رهایش. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی و مقدمه انگلیسی ولادیمیر ایوانف. بمبئی: انجمن اسماعیلیه.
- _____ (۱۳۴۰). گشایش و رهایش. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی و مقدمه انگلیسی ولادیمیر ایوانف. تهران: سازمان چاپ کیهان.
- _____ (۱۳۰۴-۱۳۰۷). دیوان قصاید و مقطعات حکیم ناصر خسرو. به تصحیح نصرالله تقوی، با مقدمه حسن تقی زاده و ذیل مجتبی مینوی و حواشی و ملاحظات علی اکبر خان دهخدا. تهران: مجلس.
- _____ (۱۳۹۰). گشایش و رهایش. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. به اهتمام عبدالکریم جریزه دار. تهران: اساطیر (چاپ اول: ۱۳۸۰).
- نفیسی، سعید. مقدمه/پانوشته ناصر خسرو (۱۳۲۸).
- _____ . مقدمه/پانوشته ناصر خسرو (۱۳۴۰).
- هانسبرگر، آلیس (۱۳۸۰). ناصر خسرو [، لعل بدخشان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز.
- یادنامه ناصر خسرو (۱۳۵۵) [= ۲۵۳۵]. مجموعه مقالات. مشهد: دانشگاه فردوسی
- Daftary, Farhad. (2004). *Ismaili Literature; A Bibliography of Sources and Studies*. I. B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies
- Hunzai, M. Introduction → Nasir Khusraw
- Ivanow, W. (1933). *A Guide To Ismaili Literature*. Royal Asiatic Society.
- _____ (1948-a). *Nasir-i Khusraw and Ismailism*. Bombay: Thacker & Co. Ltd.
- _____ (1948-b). *Studies In Early Persian Ismailism*. Leiden: BRILL.
- _____ (1956). *Problems In Nasir-i Khusraw's Biography*. Bombay: Ismaili Society.
- Landolt, Hermann, Samira Sheilk & Kutub Kassam (eds). (2008). *An Anthology Of Ismaili Literature*. I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies.
- Nasir Khusraw (1998). *Knowledge and Liberation*. Edited and Translated by Faquir M. Hunzai. I. B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies.
- Rypka, Jan. (1968) *History of Iranian Literature*. Edited by Karl Jahn. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.

منابع آنلاین

- همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۹۴). دانشگاه شهید بهشتی (تاریخ دسترسی: اسفند ۱۳۹۹):
<https://www.sid.ir/fa/seminar/SeminarListPaper.aspx?ID=1485>